

# روح‌یابی از مذاکرات در خانه ملت

## اصلاحات شورای نگهبان بر طرح اصلاحی مجلس

نیاز به این سیستم نداریم و وزارتخانه از پشت میز نشین اشباع شده است. ما نیاز به تربیت کسانی داریم که صاحب مهارت بوده و کارآفرین باشند.

وی معتقد است برای حل مشکل اشتغال نیاز به سیستم آموزش عالی علمی - کاربردی داریم. از نظر مهندس ادب اشکال دیگری در طرح وجود دارد و آن این که در طرح پیشنهاد شده است رئیس جمهور ریست شورای عالی را عهده‌دار باشد و این برای رئیس جمهور تکلیف قانونی تعیین می‌کند و معمولاً شورای عالی درست کردن یعنی توپ را در زمین ناکجاآباد فرستادن. بخشی از این وظایف را شورای عالی انقلاب فرهنگی دارد و ما نباید مرتب دستگاه موازی با اختیارات موازی درست کنیم. مملکت ما از حجم بالای قوانین دارد لطمه می‌بیند. ما باید قوانین را کم کنیم ولی قوانین کارآ، شفاف و کارآمد را تصویب کنیم.

پیشنهاد ادب مینی بر این است که دولت براساس آموزش مهارت‌ها تا سطح دبیرستان و براساس آموزش علمی - کاربردی و تربیت کارآفرین در دانشگاه‌ها، لایحه‌ای به منظور اصلاح ساختار نظام آموزشی کشور به طور یکپارچه بیاورد.

از طرف دیگر اظهارات خلیل اردکانی به عنوان موافق مینی بر این مسئله است که یکی از ضعف‌های شورای عالی در گذشته، عدم مراقبت قانون‌گذار در شورا بوده است. به همین دلیل با انتخاب دونفر از نمایندگان مجلس در شورای عالی سعی بر آن است که با مبادله فکری بین مجلس و شورای عالی، نمایندگان مردم نیز بتوانند پاسخگوی مردم باشند. وی می‌گوید: تصمیماتی که قبلاً در آموزش و پرورش گرفته می‌شد بعضاً از مجاری غیرقانونی و با از چندین مجرا بوده است که با تقویت شورای عالی، می‌توان در تصمیمات اساسی تمرکز به وجود آورد. ضمن آن که مکانیزم انتخاب صاحب‌نظران بیشتر به صورت انتخابی و شورایی و از طریق مجامع علمی است.

برخی از نکات مهم که در لایحه قانونی مصوب سال ۱۳۵۸ در ۱۵ ماده وجود دارد عبارت است از: ماده ۱ - شورای عالی آموزش و پرورش وابسته به وزارت آموزش و پرورش است و سازمان اداری آن به عنوان یکی از واحدهای وزارت آموزش و پرورش دارای بودجه و تشکیلات جداگانه اداری و فنی است.

ماده ۲ - ریاست شورای عالی آموزش و پرورش انتخابی است...  
ماده ۶:

۱- تعیین خط‌مشی کلی آموزش و پرورش جمهوری اسلامی طبق قانون اساسی کشور با رعایت قوانین موضوعه کشور در اصلاحیه سال ۱۳۶۵ طبق قانون اساسی کشور حذف شده است.

۲- بررسی و تصویب هدف‌ها در نظام آموزش و پرورش براساس خط‌مشی کلی آموزش و پرورش کشور در اصلاحیه سال ۶۵ براساس

طرح اصلاح لایحه قانونی تشکیل شورای عالی آموزش و پرورش در تداوم "روح‌یابی از مذاکرات مجلس شورای اسلامی" بر آن شدیم تا "طرح اصلاح لایحه قانونی تشکیل شورای عالی آموزش و پرورش" را که توسط کمیسیون آموزش و تحقیقات تهیه و شور اول آن در جلسه علنی مورخ نوزدهم تیرماه ۱۳۸۰ تصویب شده است، بررسی نماییم. این طرح اصلاحی که پس از چهار بار برگشت از سوی شورای نگهبان، سرانجام در ۲۳/۸/۸۱ به تأیید شورای نگهبان رسید در آذر ماه سال جاری به دولت ابلاغ شده است. به منظور آشنایی با ایراداتی که از سوی شورای نگهبان اعمال می‌شود و همچنین دیدگاه کمیسیون آموزش و تحقیقات، خلاصه‌ای از مشروح مذاکرات پیرامون بررسی طرح را می‌آوریم.

سابقه این طرح به لایحه قانونی مصوب ۲۷/۱۱/۱۳۵۸ شورای انقلاب جمهوری اسلامی بازمی‌گردد، موادی از آن قانون نیز در ۲۵/۹/۶۵ اصلاح گردیده است که با توجه به شرایط جدید فرهنگی - سیاسی و اجتماعی و گذشت بیش از یک دهه از اجرای آن، کمیسیون طرح مذکور را با در نظر گرفتن چهار هدف عمده پیشنهاد نمود:

- ۱- شفاف‌تر شدن وظایف شورای عالی
  - ۲- تخصصی‌تر شدن ترکیب اعضای شورای عالی
  - ۳- تقویت ضمانت اجرایی بیشتر مصوبات شورا
  - ۴- یکپارچگی نهاد سیاست‌گذاری در وزارت آموزش و پرورش
- بنابر گفته شیرزاد رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات، یکی از ضرورت‌های طرح، وجود شوراهای و کمیته‌های موازی و البته غیرقانونی در سیستم آموزش و پرورش است که به تصمیم‌گیری‌های کلان مشغول بوده و در واقع بخش عمده‌ای از مشکلات آموزش و پرورش در گذشته، ناشی از تصمیم‌گیری‌های شتابزده‌ای بود که خارج از چارچوب رسمی شورای عالی آموزش و پرورش اتخاذ شده بود.

تلاش کمیسیون در طرح اصلاحی بر آن بوده است که نقش علمی اعضای شورای عالی ارتقا پیدا کند و نقش انتخاب سلیقه‌ای هم مهار شود و کارشناسان و متخصصان بیشتری در شورا وجود داشته باشند. بنابر توضیحات مختصر کمیسیون قبلاً با تغییر مسئولین آموزش و پرورش و کادر اجرایی وزارتخانه، سیاست‌گذاری‌ها هم دچار تغییر می‌شد، در حالی که بر مسائل تعلیم و تربیت نیازمند سیاست‌گذاری درازمدت و سنجیده هستیم که هرگز با تغییر تیم اجرایی دچار نوسان و تغییر نشود.

بهاء‌الدین ادب عضو کمیسیون عمران، معتقد است ضمن نیاز به اصلاحات عمیق و گسترده در آموزش و پرورش کشور، طرح لازم‌وی کافی نبوده زیرا یکی از مشکلات اشغال، به دلیل عدم تطبیق نظام آموزشی کشور بر نیاز روز مملکت و نیاز روز دنیا و بازار بین‌المللی است. زیرا آنها که به دانشگاه نمی‌روند فاقد مهارت بوده و فقط پشت‌میز نشین هستند، امروز

خط‌مشی کلی .... حذف و به‌جای آن جهت‌ارائه به مجلس شورای اسلامی آمده‌است....

۱۱- بررسی و تصویب مقررات و اصول لازم برای گزینش و تربیت و استخدام معلمان .... در اصلاحیه سال ۶۵ "با رعایت ضوابط عمومی گزینش در کل کشور" اضافه شده‌است.

۱۴- ارائه ضوابط لازم در مورد مطبوعات و رسانه‌های گروهی کشور از نظر تربیتی و رعایت مصالح ملی و اسلامی و نظارت در اجرای این ضوابط، سازمان‌های ذیربط. در اصلاحیه سال ۶۵ این ماده حذف شده‌است.

۱۷- بررسی و تصویب مقررات مربوط به انتخاب و اعزام محصلین به خارج از کشور... در اصلاحیه سال ۶۵ این ماده حذف شده‌است.

ماده ۷- ذکر شرایط اعضا می‌باشد، از جمله این که مسلمان باشند و... در اصلاحیه سال ۶۵ عبارت "و معتقد به ولایت فقیه بوده و التزام عملی احکام اسلامی داشته باشند" به شرایط اضافه شده‌است... دارای مدارج عالی‌تر یکی از رشته‌های معارف اسلامی یا علمی یا ادبی یا فنی باشند. در این زمینه‌ها دارای تجربه و بصیرت بوده و با مسائل تعلیم و تربیت آشنا باشند. در اصلاحیه سال ۶۵ عبارت "و دارای بینش سیاسی و اجتماعی لازم باشند" اضافه شده‌است.

ماده ۹- تعداد اعضای رسمی را که در آن زمان ۱۵ نفر پیش‌بینی شده‌اند به شرح زیر ذکر می‌کند:

وزیر آموزش و پرورش، وزیر فرهنگ و آموزش عالی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی - وزیر علوم و تحقیقات و فن‌آوری، یک نفر مجتهد جامع‌الشرایط با معرفی شورای نگهبان، سه نفر مطلع و صاحب‌نظر در هر یک از رشته‌های علمی - فنی و علوم انسانی (مهندسی)، سه نفر مطلع و صاحب‌نظر از معلمان یا رؤسای مدارس... یک نفر از صاحب‌نظران صنایع (وزیر صنایع)، یک نفر از صاحب‌نظران در کشاورزی، مدیرکل تحقیقات و برنامه‌ریزی درسی، سه نفر از صاحب‌نظران در مسائل آموزش و پرورش ... مکانیزم انتخاب افراد نیز مشخص شده‌است و...

اصلاح قانونی که در سال ۱۳۶۵ صورت گرفته‌است تعداد اعضا را به هفده نفر ارتقا داده‌است. وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و وزیر جهادسازندگی (جهاد کشاورزی) اضافه شده و انتخاب مجتهد جامع‌الشرایط به معرفی فقهای شورای نگهبان تغییر یافته‌است.

در کلیات تقدیمی که در شور اول به تصویب نمایندگان رسیده‌است، وظایف شورا گسترده‌تر از قبل پیش‌بینی شده، ضمن آن که ریاست شورا به‌عهده رئیس‌جمهور گذاشته شده و اعضای شورا به ۲۲ نفر افزایش داده شده‌است. اعضا نیز با حکم رئیس‌جمهور منصوب می‌شوند و یک نفر مجتهد آشنا به مسائل تعلیم و تربیت به انتخاب شورای مدیریت حوزه علمیه قم در نظر گرفته شده‌است که قبلاً بنا بر معرفی فقهای شورای نگهبان بود. اعضای که در طرح به تعداد سابق اضافه شده‌است و یا تغییر یافته‌اند، عبارت است از رئیس‌جمهور، رئیس پژوهشکده تعلیم و تربیت وزارت آموزش و پرورش، دبیرکل شورای عالی آموزش و پرورش و رئیس سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان مدیریت و

برنامه‌ریزی کشور و یکی از مدیران کل استان‌ها. ضمن آن که دوفتر از اعضای کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی به‌عنوان ناظر در جلسات شورای عالی شرکت خواهند داشت. همچنین در بین نمایندگان معلمان یا مدیران مدارس انتخاب یک نفر از میان زنان پیشنهاد شده‌است. سه نفر از اعضای هیئت علمی گروه‌های تخصصی دانشگاه‌ها و

## با ایرادات وارد شده به این طرح، شورای نگهبان در صدد محدود کردن اختیارات قانونی شوراهای تخصصی است که در جوار دولت اجازه وضع مقررات تخصصی و ویژه‌ای را دارند. این امر با مستمسک قرار دادن اصل ۸۵ قانون اساسی صورت می‌گیرد اما در بخش ارتباط با شورای عالی انقلاب فرهنگی به نظر می‌رسد نه از سر دلسوزی نسبت به مجلس و سلب شدن حق قانون‌گذاری آن، بلکه نگران آن هستند که چیزی از زیر تیغ شورای نگهبان در نرود

پژوهشگاه‌ها نیز به اعضای شورا اضافه شده‌است.

شور دوم این طرح در جلسه علنی مورخ ششم آذرماه ۱۳۸۰ به بحث گذاشته شد و با در نظر گرفتن پیشنهادات و نظرات تصویب گردید. تصور نمایندگان این بود که با توجه به کار کارشناسی مشورت‌هایی با صاحب‌نظران در خصوص طراحی انجام شده‌است و همچنین با توجه به ماهیت غیرسیاسی طرح، تصویب آن در مجلس و شورای نگهبان محل مناقشه قرار نگیرد.

### ایرادات شورای نگهبان

شورای نگهبان ۹ مورد ایراد بر مصوبه مجلس وارد نموده که از جمله آنها مغایرت با اصل ۸۵ قانون اساسی و دیگری اعطای وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی به شورای عالی آموزش و پرورش و در نتیجه مغایرت با اصل ۵۷ می‌باشد. ایراد دیگر شورای نگهبان در رابطه با حذف ماده ۶ در ارتباط با وظایف و اختیارات شورای عالی بود، زیرا در این صورت وظایف شورا نامعلوم می‌باشد. در این رابطه کمیسیون به قانون قبلی در مورد وظایف و اختیارات عدول نمود. در این مورد اساساً مجلس مصوبه‌ای نداشت ولی شورای نگهبان اصرار به اظهار نظر می‌نمود؛ در صورتی که به لحاظ عرف قانون‌گذاری وقتی قانونی جنبه اصلاحیه بر قانون قبلی را دارد،

حذف هر بند یا ماده به معنای آن است که در این مورد قانون قبلی پابرجاست و این نیازی به تصریح ندارد. رئیس مجلس در اینجا می‌گوید: گاهی اشکالات موجب می‌شود که باز به سمت گذشته می‌رویم، احساس می‌کنیم که وضعمان بدتر می‌شود. در اصلاحیه کمیسیون، اختیارات مهم شورا مانند تعیین خط‌مشی و اهداف آموزش و پرورش، بررسی و تصویب ساختار نظام آموزش و پرورش جهت ارائه به مجلس شورای اسلامی پس از طی مراحل قانونی و موارد دیگر نظیر: بررسی و تصویب اصول حاکم بر برنامه‌های آموزشی و تربیتی و... اظهار نظر رسمی در مورد طرح‌ها و لوایح قانونی مربوط به وظایف شورای عالی آموزش و پرورش به مجلس شورای اسلامی تعیین شده بود.

اصلاحیه دیگر در رابطه با انتخاب دوفرد از اعضای کمیسیون در شورا می‌باشد که بنابر انتخاب کمیسیون برای شورای عالی انتخاب می‌شوند، که در اصلاحیه، "تصویب مجلس" هم به آن اضافه شده است و کلمه مدیریت از شورای عالی مدیریت حوزه علمیه قم برای انتخاب یک نفر مجتهد، حذف شده است.

یکی دیگر از ایرادات شورای نگهبان به ماده یک طرح در عبارت "شورای عالی آموزش و پرورش مرجع سیاست‌گذاری قبل از آموزش عالی

است"، بوده در این صورت وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی به شورای عالی آموزش و پرورش اعطا می‌گردد. در نتیجه کمیسیون عبارت را چنین اصلاح نمود: "شورای عالی آموزش و پرورش در حوزه وظایف آموزش عمومی و متوسطه و چارچوب سیاست‌های کلی نظام" و عبارت مذکور را جایگزین عبارت قبلی کرد.

برخی دیگر از ایراداتی که شورای نگهبان به اصلاحیه گرفته بود عبارت است از:

"تعیین خط‌مشی و اهداف آموزش و پرورش با رعایت قوانین موضوعه کشور، بررسی و تصویب اصول حاکم بر برنامه‌های آموزشی و تربیتی و تدوین و تصویب اهداف دوره‌های تحصیلی، بررسی و تصویب اساسنامه هر نوع مؤسسه‌های تعلیماتی جدید، بررسی و تصویب ضوابط ارزشیابی نظام آموزشی، بررسی و تصویب مقررات و اصول لازم برای گزینش تخصصی و... و عنوان شده که وظایف مذکور، وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی را به شورای عالی آموزش و پرورش داده است و لذا مغایر با ولایت مطلقه فقیه مصرح در اصل ۵۷ قانون اساسی و نیز مغایر با موازین شرع است. (اصل ۵۷: قوای مقننه و مجریه و قضائیه زیر نظر ولایت مطلقه و امامت امت بر طبق اصول قانون اساسی اعمال می‌گردد، این قوانین از یکدیگر مستقل‌اند). ارائه اظهار نظر رسمی در مورد طرح‌ها و لوایح قانونی مربوط به وظایف شورای عالی نیز از وظایف پیشنهاد شده است که به موجب ایراد

شورای نگهبان چون شامل حضور افرادی غیر از اشخاص مذکور در اصل هفتاد قانون اساسی در جلسات علنی مجلس می‌باشد، لذا مغایر این اصل می‌باشد. (اصل ۷۰: حق شرکت در جلسه علنی مجلس برای رئیس جمهور، معاونان و وزیران می‌باشد).

تدوین و تصویب اهداف دوره‌های تحصیلی، بررسی و تصویب آئین‌نامه‌ای اجرایی - انضباطی و امتحانی مدارس و دوره آمادگی قبل از دبستان، تصویب آئین‌نامه ارزش‌یابی مدارک تحصیلی صادره از مدارس کشورهای خارجی تا پایان دوره متوسطه، بررسی و تصویب آئین‌نامه‌ای مربوط به دانشسراها، بررسی و تصویب آئین‌نامه انتصاب مدیران مدارس و رؤسای آموزش و پرورش مناطق، بررسی و تصویب آئین‌نامه ارزشیابی از معلمان و کارکنان مدارس و تصویب آئین‌نامه توسط شورای عالی از طرف شورای نگهبان مغایر اصل ۱۳۸ قانون اساسی شناخته شده است. (اصل ۱۳۸ به هیئت مدیران حق وضع تصویب‌نامه و آئین‌نامه ری می‌دهد در صورتی که مفاد این مقررات نباید با متن و روح قوانین مخالف باشد).

همچنین انتخاب دوفرد از نمایندگان به عنوان ناظر، مغایر اصل ۵۸ قانون اساسی شناخته شد (اعمال قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی).

و سرانجام ماده ۱۶ که می‌گوید: "از

تاریخ تصویب این قانون کلیه قوانین مغایر ملغی است و... چون شامل مصوبات شورای انقلاب فرهنگی و مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌شود، لذا مغایر اصل ۵۷ و اصل ۱۱۲ قانون اساسی (اصل ۱۱۲: وظایف مجمع تشخیص مصلحت) شناخته شده است. ایرادات شورای نگهبان، با یک

عقب‌نشینی ۵۰ درصدی از سوی کمیسیون و پس از اصلاح در جلسات علنی مجلس شورای اسلامی مطرح و

براساس قانون اساسی تعداد اعضای رسمی ۲۲ نفر می‌باشد و... تنها ایرادی که دوباره به صحن علنی کشیده شد در رابطه با ماده یک بود که شورای عالی مرجع سیاست‌گذاری در حوزه وظایف آموزش عمومی و متوسطه و چارچوب سیاست‌های کلی نظام مطرح شده بود. ایراد شورای نگهبان عبارت بود از این که: "این شائبه موجود می‌آید که گر به طور مطلق مرجع سیاست‌گذاری شورای عالی باشد می‌تواند با وظایف مجلس شورای اسلامی تداخل داشته باشد که تنها مرجع قانون‌گذاری است" و لذا در اصلاح پس از سیاست‌های کلی نظام، کلمه "قوانین موضوعه" نیز اضافه شده است.

پس از این اصلاح بار دیگر ایراد شورای نگهبان به ماده یک وارد شد زیرا واگذار کردن برخی وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی به شورای عالی آموزش و پرورش کماکان به قوت خود باقی مانده بود.

**این روند یک نتیجه خطرناک دارد و آن این که نمایندگان از ترس آن که مجبور نشوند چند پله نسبت به قانون موجود عقب‌نشینی کنند، اصلاً از دادن طرح در بسیاری موارد خودداری کنند و نتیجه طبیعی این روند بر زمین ماندن مطالبات**

**انباشته مردم و یأس و سرخوردگی آنان است**

در آخرین اصلاحیه ماده یک پس از کلمه قوانین "و مقررات" هم اضافه شده است. بنا به گفته مخبر کمیسیون لفظ مقررات به حدی عام است که همه مسائلی را که در حکم قانون یا قانون هستند را در بر بگیرد.

پس از اصلاح آخرین ایرادات شورای نگهبان در جلسه ۲۹/۷/۸۱ در صحن علنی مجلس، شورای نگهبان با استظهار به این که مقررات مذکور در صدر ماده یک شامل مقررات، سیاست گذاری ها و مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی می شود، طرح را خلاف شرع و قانون اساسی نشناخت و آن را تأیید نمود.

### حکایت تأسف بار یک قانون

احمد شیرزاد در مقاله ای تحت عنوان حکایت تأسف بار یک قانون که در روزنامه نوروز ۱۱/۲/۸۱ به چاپ رسیده است می نویسد:

پس از ایرادات شورای نگهبان، اعضای کمیسیون که دیدند ورود در یک مناقشه طولانی با این شورا بر سر وظایف و اختیارات شورای عالی آموزش و پرورش، سرانجام کار یک قانون معمولی غیرسیاسی را به شورای تشخیص مصلحت می کشاند و پس از گذشت ماه ها صرف وقت معلوم نیست نتیجه چه می شود، ترجیح دادند از کلیه پیشنهادهایی که در مورد اصلاح وظایف و اختیارات شورای عالی داشتند بگذرند تا در این قسمت قانون قبلی به اعتبار خود باقی بماند و در عوض بخش های دیگر اصلاحیه

که کمتر مورد ایراد واقع شده بود، سریع تر به جریان عمل نزدیک شود... با ایرادات فوق، شورای نگهبان درصدد محدود کردن اختیارات قانونی شوراهای تخصصی است که در جوار دولت اجازه وضع مقررات تخصصی و ویژه ای را دارند. این امر با مستمسک قرار دادن اصل ۸۵ قانون اساسی صورت می گیرد اما در بخش ارتباط با شورای عالی انقلاب فرهنگی به نظر می رسد نه از سر دلسوزی نسبت به مجلس و سلب شدن حق

قانون گذاری آن، بلکه نگران آن هستند که چیزی از زیر تیغ شورای نگهبان در نرود. جالب آن که بخشی از ایرادات شورای نگهبان متوجه وظایف و اختیاراتی می شد که از قبل به عنوان قانون وجود داشت و به تصویب شورای نگهبان وقت رسیده بود. این روند یک نتیجه خطرناک دارد و آن این که نمایندگان از ترس آن که مجبور نشوند چند پله نسبت به قانون موجود عقب نشینی کنند، اصلاً از دادن طرح در بسیاری موارد خودداری کنند و نتیجه طبیعی این روند بر زمین ماندن مطالبات انباشته مردم و یأس و سرخوردگی آنان است.

شیرزاد نظرات شورای نگهبان در ارتباط با شورای انقلاب فرهنگی را تعجب آور می داند که گویا اتفاق جدیدی افتاده و شورای نگهبان با ترکیب جدید خود به این نتیجه رسیده است که در مملکت مجلس دیگری به نام شورای عالی انقلاب فرهنگی قادر است پایه پای قوه مقننه رسمی مملکت قانون گذاری کند. در حالی که در گذشته با احتیاط و تردید از کنار مصوبات شورای انقلاب فرهنگی عبور شده و هیچ گاه مجامع رسمی کشور، به ویژه

شورای نگهبان مصوبات شورای انقلاب فرهنگی را قانونی ندانسته اند. اگر با تمسک به اصل ۱۱۰ در مورد اختیارات مقام رهبری اصول مصرح دیگر در قانون اساسی نادیده گرفته شود و به صراحت اصل ۸۵ در مورد انحصار قانون گذاری مجلس خدشه وارد شود دیگر چه چیز از این میثاق ملی باقی می ماند؟ و سپس نتیجه گیری می کند:

ماحصل این برخورد آن می شود که شورای محترم نگهبان بتواند با اتکا به اختیار تفسیر قانون اساسی عملاً تمسک به اصل ۱۱۰ کل قانون اساسی را تعطیل کند.

ایراد شورای نگهبان در مورد لایحه اهداف و وظایف وزارت علوم مبنای تذکر قانون اساسی از سوی شیرزاد و نمازی گردید. بنابر توضیحات نمازی عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات، لایحه ساختار وزارت علوم و تحقیقات و فن آوری برابر اصل ۹۹ برنامه سوم تهیه شده اما شورای نگهبان دلیل رد آن را تداخل با وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی عنوان کرده است، که به منزله ایجاد محدودیت برای مجلس است.

نمازی می گوید: امام (ره) در رابطه با شورای عالی انقلاب فرهنگی گفته بودند به مصوبات شورا ترتیب اثر داده شود. این به معنای قانون گذاری نیست در صورتی که مجلس حق دارد در تمام امور کشور در حدود قانون اساسی، قانون وضع کند. براساس اصل ۹۴ قانون اساسی مصوبات مجلس با قانون اساسی و احکام اسلامی نباید مغایرت داشته باشد و تطبیق مصوبات مجلس با مصوبات یک دستگاه دیگر مطرح نبوده است.

نمایندگان عضو فراکسیون دوم خرداد می گویند برخوردهایی از این دست که از سوی شورای محترم نگهبان اعمال می شود به گونه ای موجودیت قانون اساسی را تهدید می کند. اظهار نظر شورای نگهبان درباره لایحه اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت

علوم، تحقیقات و فن آوری و به ویژه اعلام آن که "چون در این لایحه موارد مورد نظر معظم له به نحو مشخص منظور نشده است، لذا این مصوبه به طور کلی از این جهات خلاف موازین شرع و مغایر اصل ۵۷ قانون اساسی شناخته شد" به نظر نمایندگان پیامی جز خلعید کامل مجلس در امر قانون گذاری ندارد. پس از این اظهار نظر بود که نمایندگان عضو فراکسیون دوم خرداد در نامه سرگشاده ای به رئیس جمهور در تاریخ ۸۱/۹/۱۹ خواهان استیفای حقوق مجلس و دفاع از کیان آن به ویژه حق انحصاری قانون گذاری مجلس شدند. نمایندگان در آن نامه یادآور شدند: براساس اظهار نظرات فوق چگونه ممکن است مصوبات نهادی همچون شورای عالی انقلاب فرهنگی که همچنان قانونی بودن جایگاه و اختیارات آن در بوتۀ ابهام و تردید است و انگیزه و فلسفۀ تأسیس آن هرگز قانون گذاری نبوده است مبنای تشخیص و تعیین مغایرت مصوبات مجلس با شرع و قانون اساسی شود؟

به نظر نمایندگان این گونه برخوردها که به استناد اصل ۵۷

## رئیس مجلس می گوید: گاهی اشکالات [شورای نگهبان] موجب می شود که باز به سمت گذشته می رویم، احساس می کنیم که وضعمان بدتر می شود

قانون اساسی و اختیارات ولی فقیه صورت گرفته است، صرف نظر از خدشه حقوقی، متضمن نقض غرض در دفاع از شرع و جایگاه رهبری در نظام است و چه بسا موجب القاء ناکارآمدی نظام قانون گذاری و شبهه نوعی انسداد در نظام و نهایتاً بدبینی به نظام دینی خواهد شد.

هر چند شورای نگهبان در جواب به نامه فوق، به نقض قانون اساسی در ۱۵۰ مورد اشاره کرده است که بیشترین این نقض ها مربوط به اصل ۸۵ قانون اساسی می باشد که مبین عدم حق تفویض قانون گذاری مجلس است و شورای نگهبان به منظور صیانت از قانون اساسی و حفظ جایگاه قانونی مجلس از این نقض ها جلوگیری کرده است.

### نقد و نظر

پیرامون گفت و گوهای که در خصوص "ریشه یابی ناهنجاری های اجتماعی" در نشریه شماره ۱۵ چشم انداز ایران مورخه مرداد و شهریور ۱۳۸۱ به چاپ رسید چندین نامه و اظهار نظر دریافت شده است. یکی از این اظهار نظر ها از جانب آقای غلامحسین رضائیان در نقد گفت و گوی آقای جلال جلالی زاده می باشد.

آقای جلالی زاده در گفت و گوی خود ضمن انتقاد به سیستمی که تقلید صرف و مستمر را توصیف می کند، بدون آن که رشدی برای مقلدین در نظر گرفته شود، مجتهدپروری را به جای مقلدپروری مطرح نموده است. ضمن تشکر از آقای رضائیان، بخش هایی از نظرات ایشان را می آوریم.

"تقلید یا حکیمانانه است یا غیر حکیمانانه - تقلید حکیمانانه به حکم عقل و شرع واجب و ضروری است. مانند تقلید غیر مجتهد از مجتهد که خود موجب رشد و تکامل است. مقلد در تقلید خویش به دنبال کشف حقیقت تحصیل علم و نیز ادای وظیفه است و قیاس آن با تبعیت رعیت از شاه مع الفارق است که ممکن است به دلیل ترس از قدرت شاهانه و یا... باشد."

این که بویایی در استدلال خواهی مقلدان از مجتهدان است؛ در صورتی که شخص در عین تقلید، به تحصیل علوم و روش های استنباط زیر نظر مجتهد مسلم بپردازد امری مقبول است و الا مقلد نمی تواند از اسرار و ظرایف، مثلاً علم فقه بهره ای داشته باشد و استدلال خواهی کند. استدلال جویی زمانی مفید است که مقلد از نظر علمی در مقامی باشد که بتواند استدلال را درک کند.

گفتنی است کامل نامه ایشان در هفته نامه پرتو شماره ۱۵۴ مورخ ۸۱/۸/۲۰ نیز به چاپ رسیده است. آقای جلالی زاده در جوابیه مشروحه، نوشته است:

بحث اجتهاد و تقلید یک بحث بسیار مهم و مناقشه برانگیز در میان فقهای مسلمین است که سال ها هچنان لاینحل مانده است. دیدگاه های

مختلفی در میان علمای اهل تشیع و علمای اهل تسنن در ارتباط با بحث اجتهاد، دامنه و حدود عملی آن، اجتهاد در اصول - در فروع - تقلید از مجتهد زنده، مرده، اجتهاد مطلق، اصالت تقلید، تقلید جایز، تقلید غیر مشروع، فواید و مضار تقلید... وجود داشته و کتاب ها و رساله هایی در این باب نوشته شده است. ایشان در ابتدا این سؤال اساسی را مطرح کرده است که از لحاظ اجتماعی و سایر ابعاد و نکته ای که در سرنوشت یک ملت موثر است، آیا اصل را بر تقلید و پیروی کورکورانه بگذاریم یا بر تعقل و تدبیر و تقلید حکیمانانه؟ از دیدگاه دین کدام تقلید نکوهش شده است؟ تقلید کورکورانه و محض از نیاکان و جامعه و یا مطلق تقلید؟ آیا اجتهاد و تقلید لازم و ملزوم یکدیگرند؟ و کدام تقابل منطقی بر آنها حاکم است؟

سپس سه نوع دسته بندی درباره تقلید را مطرح کرده اند که به اختصار می آوریم.

۱- گروهی که آن را در هر حال جایز نمی دانند و معتقدند که هر کس شخصاً لازم است در امور دینی اجتهاد کرده و به اجتهاد خود عمل نماید نظیر شوکانی و ابن حزم، ابن عبدالبر و... شاه ولی ادله دهلوی در کتاب حجت الله البالغه صفحه ۴۳۶ می گوید: آنچه که واضح است در زمان صحابه کسی نبود که از دیگری در همه اقوالش تقلید کند و از کس دیگری

پیروی نکند و در عصر تابعین و بعد از آن بدین منوال بوده است، و اگر چنین بوده است طرفداران تقلید باید ثابت کنند و این بدعت در قرن چهارم پیش آمد زیرا بعد از زوال قدرت و شکوه مسلمین و تشکیل حکومت های ملوک الطوائفی روحیه استقلال در اجتهاد ضعیف و نوآوری به جمود گرایید.

۲- دسته دوم تقلید را واجب می دانند که دیدگاه خشویه و تعلیمیه و اخباریین است.

ابوالحسن کرخی سرآمد فقهای حنفیه می گفت هر آیه و یا حدیثی که با فتوای بزرگان ما مخالف باشد یا تاویل پذیر است و یا منسوخ از طرف دیگر سیدمرتضی و شیخ مفید شدیداً با هر گونه اجتهادی مخالفت می کردند و در

کتاب "الشافی" بر بطلان اجتهاد تأکید می ورزد و می گوید اجتهاد و قیاس نه مفید فایده هستند و نه منتج به علم می شوند و شریعت به وسیله آنها حفظ نمی شود.

۳- دسته ای پیروی غیر مجتهد را از مجتهد لازم می دانند. در "اجتهاد در شریعت اسلام" یوسف قرضای صفحه ۱۰۸ آمده است: باب اجتهاد برای دارندگان شرایط آن پیوسته مفتوح بوده و می باشد و هر مجتهدی در تلاش و کوشش خود در استنباط احکام نسبت به شرایط زمان و مکان حالت اشخاص و تطور فقه و شریعت از سهم بسزایی ز اجر و پاداش برخوردار خواهد بود. اجتهاد در انحصار یک مجتهد، یک گروه، یک طبقه یا زمان و مکان خاصی نیست.

بسیاری از علمای اسلامی اصل را بر عمل کردن به قول دیگران از

## اگر با تمسک به اصل ۱۱۰ در مورد اختیارات مقام رهبری اصول مصرح دیگر در قانون اساسی نادیده گرفته شود و به صراحت اصل ۸۵ در مورد انحصار قانون گذاری مجلس خدشه وارد شود دیگر چه چیز از این میثاق ملی باقی می ماند؟

روی حجت و دلیل می دانستند. امام شافعی نیز پیروانش را از تقلید بی دلیل و ناآگاهانه برحذر می داشت. احمدین حنبل نیز می گوید: نه از من و نه از مالک و نه از ثوری و نه از اوزاعی تقلید نکن بلکه از منابعی استفاده کن که آنان استفاده کرده اند. سیوطی نیز گفته است: علمای متقدم و متأخر پیوسته دستور به اجتهاد می دادند و مردم را تشویق بدان می کردند و همچنین آنان را به خاطر تقلید نمودن مذمت می کردند تا آنجا که گروهی از جمله ابوشامه - ابن عبدالبر، ابن قیم جوزی و صاحب قاموس محیط کتاب هایی را جمع به مذمت تقلید نوشته اند، ولی برخی از فقهای اسلامی در مخالفت با تقلید راه افراط را پیموده اند.

به نظر می رسد دغدغه آقای جلالی زاده در رابطه با سرنوشت امت اسلامی است. چنانچه ایشان در ادامه می نویسد: "گرچه آیه فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لاتعلمون پیام های بسیار مهمی دارد و آن خارج شدن از تقلید و پذیرفتن بدون دلیل و وارد شدن به صحنه تبعیت و اجتهاد است، تقلید کورکورانه و بدون دلیل و برهان که مقلد را از تلاش فکری بازدارد مذموم است. اگر آیات و احادیثی که در تشویق فکر و اندیشه ذکر شده است با آیاتی که در ذم تقلید کورکورانه وارد شده جمع گردند می توان استنباط کرد که مسلمین در این مورد متضرر شده اند. بنابراین در یک جامعه دینی آگاه که حق، معیار پذیرش آرا و اقوال و دلیل رهنما بوده و کتاب و سنت منبع استنباط فقها باشد جهاد و تلاش در همه زمینه ها گسترده خواهد شد و اجتهاد و مجاهدت در سرلوحه امور خواهد بود و کسی را یاری تحمیل فکر و عقیده نخواهد بود. در پایان به کلام حضرت علی (ع) متوسل می شویم که فرمود: "سولنی قبل ان تغدونی".

آنچه که تقلید را ناموجه می سازد آثار منفی آن است و الا باید پرسش و استدلال مبنای امور در یک جامعه اسلامی قرار گیرد و حقیقت که قرآن و سنت است محل مراجعه متنازعین پذیرفته شود.

x x x

خالی از لطف نیست که در این رابطه از تحریر الوسیله امام خمینی (ره) نیز نقل نماییم... "آنچه موجب صحت عمل می گردد، صدور آن از روی حجت و دلیل است که این حجت و دلیل برای غیرمجتهد می تواند فتوای فقیه باشد." می توان از این نظر امام خمینی (ره) استنباط نمود که اصل بر مجتهدشدن است نه مقلد ماندن و طبعاً هر مسلمان باید برای دریافت صحت عمل خود به دنبال حجت و دلیل باشد. حال اگر کسی قدرت استخراج دلیل و حجت را از کتاب و سنت نداشت، وظیفه اصلی از او ساقط نمی شود و کماکان بایستی به دنبال دلیل احکام باشد و تا آن زمان، وی مجوز پیروی از فتوای علمای متقی و عالم را دارد.

ملاصدرا چهار شرط برای شاگردان خود مقرر کرده بود که در صورت پذیرش آن اجازه شرکت در کلاس را پیدا می کردند. اولین شرط این بوده است که اصل را بر مجتهدشدن بگذارند، نه این که مقلد باقی بمانند. دوم: مقام طلب نبود، و به دنبال مقام و منصب نباشند. سوم: در حد امرار معاش فعالیت اقتصادی کنند نه بیشتر. چهارم آن که اخلاق اسلامی داشته باشند. به نظر می رسد نقد مذکور، نقد یک دیدگاه و سیستم فکری است و نه نفی آن و نه نادیده گرفتن صریح آیات قرآن کریم که تأکید بسیار بر تدبر و

تعقل و تفکر می باشد. مراد از نقد یک سیستم، اصلاح در شیوه ها به منظور رشد بیشتر و آگاهی است.

آرای دیگر در این رابطه قابل ذکر است: از جمله شهید مطهری در کتاب تعلیم و تربیت اسلامی گفته اند: "آنچه که ما راجع به تعقل می بینیم می رساند که شخص به نیروی فکر کردن قادر می شود که استنباط بکند، اجتهاد بکند، رد فرع بر اصل بکند."

مرحوم آیت الله حجت در تعریف اجتهاد فرموده است: "اجتهاد اصل معنایش این است که یک مسئله جدید که شخص نسبت به آن هیچ سابقه ذهنی ندارد و در هیچ کتابی هم مطرح نشده است به او عرضه شود و این شخص بتواند فوراً آن مسئله را براساس اصولی که در دست دارد به طور صحیح تطبیق کرده و استنتاج نماید. اجتهاد واقعی این است و الا آموختن مسائل جواهر و حفظ کردن مقدمه و صغری و کبری و نتیجه آن و این که مثلاً فهمیدیم که صاحب جواهر چنین می گوید و من هم نظر او را انتخاب کرده ام. اینها اجتهاد نیست، اجتهاد ابتکار است یعنی این که خودش رد فرع بر اصل بکند.... بنابراین عده ای از مجتهدها در واقع مقلدند، مقلدهایی در سطح بالاتر."

ویژگی اجتهاد شیعه در پویایی و زنده بودن آن است، و اساساً اجتهاد در مسائل متحدنه موضوعیت پیدا می کند چنانچه امام خمینی (ره) در رساله خود تقلید از میت را (جز یک مورد استثنایی) جایز نمی دانند. زیرا اصل تقلید از میت با اصل اجتهاد زنده و پویا سازگار نیست.

دکتر شریعتی - شهید مطهری - امام خمینی صراحتاً با تقلید کورکورانه و به قول شهید مطهری "سرسپردگی" مخالفت کرده و به استناد به آیات قرآن رابطه مقلد و مجتهد را براساس رابطه آموزشی و تعلیم و تعلم استوار کرده اند. نه تقلید بدون تعقل. آیا این تلاش ها برای تغییر در روش های معمول نیست؟

آقای رضائیان دلیل خواهی را منحصر به افرادی دانسته اند که به تحصیل علوم زیر نظر مجتهد مسلم قرار داشته باشند. در کدام یک از آیات قرآن کریم استدلال طلبی منحصر به طلاب علوم دینی شده است؟

